



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

وجه تسميه ملازمات عقليه ۱

جلسه ۱۶۱

استاد رفعتی

وجه تسميه ملازمات عقليه:

مقصود از ملازمات عقليه در اینجا، حکم عقل به ملازمه بين حکم شرع و امر دیگری می باشد؛ اعم از آنکه آن امر دیگر حکم عقلی بوده یا شرعی و یا غیر این دو باشد؛ البته بر بسیاری از مبتدیان، وجه تسميه این مباحث به ملازمات عقليه، مخفی است؛ علی الخصوص در اموری که متعلق به مستقلات عقليه است؛ از این رو، بر ما واجب است توضیح دهیم:

مستقلات عقليه:

الف: صغری، بیان آنچه که با عقل قابل درک است، سزاوار است که آن کار انجام یا ترک شود؛ مثلا عدل خوب است و سزاوار است که رفتار، عادلانه باشد.

ب: کبری، بیان این مطلب که اگر عقل به درک امری یا سزاواری عملی رسید، آیا شرع نیز بر آن امر حکم می کند؟ به عبارت دیگر، حکم عقل در این صورت حجت است؟

مثال:

مقدمه اول: العدل يحسن فعله عقلا (عدل عقلا حسن و پسندیده است).

این قضیه، قضیه عقليه صرف است که در قیاس صغری قرارش می دهیم و آن از قضایای مشهوره ای است که آراء عقلاء بر آن تطابق داشته و اصطلاحا در منطق، از آن به «آراء محموده» تعبیر می کنند.

مقدمه دوم: کلّ ما يحسن فعله عقلا، يحسن فعله شرعا (هرچه عقلا انجامش پسندیده باشد؛ شرعا نیز پسندیده است)؛

این قضیه نیز قضیه عقليه بوده که مضمونش این است که بين حکم عقل و شرع، ملازمه می باشد و این ملازمه، از دلیل عقلی اخذ شده؛ لا جرم ملازمه را ملازمه عقليه گویند؛ باید توجه داشت آنچه در علم اصول مورد بحث و گفتگو است؛ همین ملازمه می باشد و بخاطر همین امر ملازمه مذکور را در باب ملازمات عقليه از مصادیق مستقلات عقليه شمرده اند.